

مطالعه جامعه‌شناختی ادراک عدالت جنسیتی زنان با تأکید بر عامل قومیت

صمد عابدینی^۱، صمد رسول‌زاده اقدم^۲، پرویز صبوری کرج^{۳*}

چکیده

از عوامل تعیین‌کننده عدالت‌طلبی و سلطه‌جویی، ادراک هر فرد از عدالت جنسیتی است. این پژوهش با هدف مطالعه ادراک عدالت جنسیتی زنان و نقش عوامل جامعه‌شناختی در پیدایش این پدیده در بستر قومیت انجام شده است. مبنای نظری پژوهش براساس نظریه‌های هومنز، بوردیو و پارسونز تدوین یافته است. روش پژوهش از نوع پیمایش است که داده‌ها با ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. جامعه آماری شامل کلیه زنان بالای ۲۰ سال اقوام ترک، کرد و گیلک شهرستان‌های اردبیل، پارس‌آباد، خلخال، سنندج، پیرانشهر، بیجار، رشت، لاهیجان و تالش است. روش نمونه‌گیری هدفمند و از نوع سهمیه‌ای است. نتایج پژوهش نشان داد ۵۲ درصد از پاسخ‌دهندگان تعریف عدالت جنسیتی را به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ارجاع می‌دهند و نقش عوامل طبیعی و بیولوژیکی را در شکل‌دهی به عدالت جنسیتی مفروض نمی‌دانند. آزمون‌های مقایسه‌ای بیشترین اختلاف برداشت از ادراک عدالت جنسیتی را بین قوم کرد و گیلک نشان داد. آزمون‌های تحلیل چندمتغیره تفاوت ابعاد ادراک عدالت جنسیتی را برحسب متغیرهای سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، سرمایه نمادین، سرمایه اقتصادی، سرمایه عاطفی و تصورات قالبی بین اقوام ترک، کرد و گیلک تأیید کرد.

کلیدواژه‌ها

ادراک عدالت جنسیتی، زنان، سرمایه‌های اجتماعی، سرمایه عاطفی، قومیت.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال
abedinisamad@gmail.com
۲. دکتری جامعه‌شناسی، دانشیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز
samad1356@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال
saboori.p@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۳

مقدمه

عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی همواره از آرمان‌های مهم بشری بوده است، زیرا در طول تاریخ بهره‌کشی‌ها و سلطه‌گرایی‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب صورت گرفته است. در این کشاکش قدرت، قشر عظیمی از جامعه بشری مدام تحت ستم قرار گرفته‌اند. زنان، به‌عنوان نیمی از جامعه انسانی، به دلایل فرهنگی و اجتماعی، تحت سیطرهٔ هژمونی مردسالاری واقع شده که در این مسیر چه بسیار حرمت‌ها شکسته و نشاط اجتماعی فرو ریخته است.

آمارها نشان می‌دهد در جوامع مختلف نقش‌ها جنسیتی شده و منابع و نقش‌های ارزشمند به زنان اختصاص داده نمی‌شود. به همین منظور، مجمع سازمان ملل سال ۱۹۷۵ را سال جهانی «زن» و فاصلهٔ سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۵ را دههٔ «زنان: برابری، توسعه و صلح» نامید. وراى این مباحث، مسئله تنها توزیع عادلانه یا ناعادلانهٔ امکانات و منابع ارزشمند بین زنان نیست؛ شماری از زنان جامعه، بدون پی‌بردن به نابرابری‌های موجود و درک فرودستی و تحت انقیادشان، به زندگی روزمرهٔ خود ادامه می‌دهند، با این تصور که شرایط ایدئال همین است که باید باشد [۱۰]. لذا درک فرودستی و احساس نابرابری و تبعیض از موارد اساسی است که زنان با آگاهی به جایگاه اجتماعی و اقتصادی‌شان در شبکهٔ توزیع سرمایه‌های اجتماعی خواهند توانست به موقعیت شایستهٔ خود نائل آیند. اهمیت درک و تأمل در مطالعات اجتماعی به این علت است که رفتار مردم به نوع برداشت و پنداشت آن‌ها (نه به خود واقعیت) بستگی دارد [۱۶]. اندیشمندان و مردم عامه جهان پیرامونی خود را با تصورات و ارزش‌هایی که در فرایند جامعه‌پذیری به دست آورده‌اند تفسیر می‌کنند.

از مفاهیمی که در تحقیقات اجتماعی براساس آبخور فکری و باورهای افراد تفسیر متفاوتی از آن ارائه شده «عدالت و جنسیت» است. برخی از صاحب‌نظران در تعریف عدالت توزیع برابر ثروت و منابع کمیاب را براساس اصل شایستگی و لیاقت افراد در نظر گرفته‌اند. روبرت نوزیک، از طرفداران این نوع برداشت، به تقلید از ارسطو، معتقد به عدالت توزیعی است. از نظر وی، هر انسانی یک رشته حقوق طبیعی، همانند مالکیت، دارد و هیچ‌کس حق تجاوز به این حقوق را از طریق اخذ مالیات و امثال آن ندارد، زیرا چنین تجاوزی عدول آشکار از مرز عدالت است [۵]. در مقابل این رویکرد، برخی از اندیشمندان معتقدند در توزیع امکانات و منابع، نیازهای اساسی جامعه را نباید فدای ویژگی‌های شخصی افراد کرد. جان راولز، از طرفداران این نوع دیدگاه که به تقلید از افلاطون معتقد به عدالت رویه‌ای است [۲۹]، می‌گوید جنسیت نیز مانند عدالت معنای بحث‌برانگیزی داشته است. جنسیت همواره واجد معانی متعدد، متعارض و متغیر است [۱۴]. برخی جامعه‌شناسان ریشهٔ شکل‌گیری «عدالت جنسیتی» را در ویژگی‌های بیولوژیکی و روانی می‌دانند که از آن جمله به تالکوت پارسونز (۱۹۰۲-۱۹۷۹) و آلیس رسی (۱۹۷۰-۲۰۰۸) می‌توان اشاره کرد. در این رویکرد، نقش‌های جنسیتی و توزیع امکانات تحت تأثیر عوامل بیولوژیکی و عاطفی است. در مقابل فمنیست‌ها و برخی

جامعه‌شناسان، جنسیت و به تبع آن پدیده عدالت جنسیتی را دستاورد اجتماعی تلقی می‌کنند که در این گروه، افرادی مانند نانسی چودورو (۱۹۴۴-۱۹۷۸)، دورتی اسمیت (۱۹۲۶-۱۹۵۵) و سیمون دوبووار (۱۹۰۸-۱۹۸۴) قرار دارند. از دیدگاه آن‌ها، سنت‌ها، هنجارها، عوامل مذهبی و قومی در شکل‌دهی به نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی مؤثر است.

ادراک زنان از عدالت از زمینه‌های مختلفی می‌تواند اثر بپذیرد. باورها و پندارهای شکل‌گرفته در بین گروه‌های قومی مهم‌ترین زمینه شکل‌دهنده ادراک مردم از عدالت است. الپورت نابرابری جنسیتی و تبعیض اجتماعی زن در جامعه مردسالار را تحت‌تأثیر عوامل فرهنگی و قومیتی بیان می‌کند [۱۵]. عامل قومیت مجموعه باورها، ارزش‌ها و کلیشه‌های ذهنی را شکل می‌دهد که فرد به‌واسطه آن پدیده‌های اجتماعی را تبیین می‌کند. باتلر معتقد است: «انسان‌ها با توجه به محورهای گوناگون (نژاد و طبقه) از جایگاه‌های متفاوتی برخوردارند؛ بنابراین معنای مفهوم جنسیت و مفاهیم مرتبط با آن متغیر و حاوی مازاد معناست» [۱۴].

فرداستی مردان و فرودستی زنان واقعیتی است که در جامعه قومیتی ایران نیز کم‌وبیش وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد سطح اشتغال زنان، سطح تحصیلات و تصورات قالب بین قومیت‌های ایران متفاوت است. بر مبنای سرشماری ۱۳۹۵، سطح تحصیلات عالی زنان در مناطق ایران به‌گونه‌ای است که در استان گیلان ۴۸ درصد، اردبیل ۴۳ درصد و در کردستان ۳۴ درصد زنان تحصیلات عالی دارند. به لحاظ سطح اشتغال زنان نیز تفاوت زیادی بین گروه‌های قومی مشهود است؛ به طوری که سطح اشتغال زنان در استان گیلان ۳۳ درصد در کردستان ۲۹ درصد و در اردبیل ۲۶ درصد است [۳۲]. با وجود این، مطالعات نشان می‌دهد در ایران به بررسی ارتباط نگرش‌های قومی و مفاهیم پیرامون جنسیت بی‌توجهی شده است [۹].

با عنایت به مباحث مطرح‌شده، تعلق داشتن به قومیت خاص، مجموعه باورها و ارزش‌هایی را در فرد به‌وجود می‌آورد که جهان پیرامون خود را بر مبنای آن درک و تفسیر می‌کند و سپس دست به کنش می‌زند. از آنجا که افق‌های تاریخی، اجماع کنشگران و ویژگی‌های ایدئولوژیکی در ادراک عدالت جنسیتی تأثیرگذار بوده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این مسئله اساسی است که اقوام ایرانی (ترک، کرد و گیلک)، عدالت جنسیتی را چگونه می‌فهمند؟ و تفاوت برداشت‌ها از عدالت جنسیتی بر اساس عوامل جامعه‌شناختی چقدر است؟

پیشینه تجربی پژوهش

به موازات پیدایش جنبش‌ها و انجمن‌های حمایت از حقوق زنان، ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و تقسیم کار جنسی نیز دستخوش دگرگونی شد. علاوه بر نگارش کتاب‌هایی^۱ با

۱. کتاب جنس دوم (سیمون دوبووار)، جنس، جنسیت و جامعه (کاترین میل و آن اوکلی)، آینده زن‌شویی (جیسی برنارد)، بازتولید مادری (نانسی چودورو) و استیلائی حقوق زنان (ماری والس‌تون کرافت) از این جمله‌اند.

موضوع حمایت از حقوق زنان و برساخت بودن عدالت جنسیتی، پژوهش‌گران اجتماعی در مقالات و پژوهش‌هایشان به بررسی عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در تعیین تغییرات برابری یا تبعیض حقوق زنان و مسائل مرتبط با آن در جوامع گوناگون پرداخته‌اند.

میرزایی و همکاران پژوهشی با عنوان «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تبریز» با روش پیمایش و با حجم نمونه ۴۸۳ نفر از زنان متأهل شهر تبریز با استفاده از پرسش‌نامه انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داده است بین متغیرهای میزان تحصیلات زنان و مردان، درآمد زنان و مردان با ساختار قدرت در خانواده در سطح خطای کوچک‌تر ۰/۰۱ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین متغیرهای تعداد سال‌های زندگی مشترک، تعداد افراد خانواده و فاصله سنی زوجین به صورت معکوس، رابطه معناداری با جایگاه زنان در ساختار قدرت خانواده دارند. نتایج رگرسیون نیز نشان داده است که از بین متغیرهای مستقل، سه متغیر تحصیلات مردان، وضعیت اشتغال زنان و میزان درآمد مردان مهم‌ترین تبیین‌کننده‌های دموکراتیک‌ترشدن ساختار قدرت خانواده هستند [۲۳].

امین‌جعفری و رهنما فلاورجانی پژوهشی با عنوان «تأثیر سرمایه اجتماعی در احساس نابرابری جنسیتی زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان» با روش پیمایش در شش منطقه از مناطق شهر اصفهان با حجم نمونه ۳۸۵ انجام دادند. این پژوهش با هدف چگونگی تأثیر سرمایه اجتماعی بر احساس نابرابری جنسیتی زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان است. مبانی نظری متغیرها و پارامترهای این پژوهش بر مبنای نظریه‌های ژانت چافتز و پیر بورديو تدوین شده بود. آن‌ها نتیجه گرفتند بین اعتماد اجتماعی و احساس نابرابری جنسیتی، بین حمایت اجتماعی و احساس نابرابری جنسیتی، بین شبکه اجتماعی و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معکوس و معنادار آماری وجود دارد. دیگر یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که بین صداقت اجتماعی و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار آماری وجود ندارد. همچنین بین متغیرهای زمینه‌ای و احساس نابرابری جنسیتی رابطه معنادار آماری وجود ندارد [۴].

زارع‌شاه‌آبادی و امینی پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر قومیت بر خشونت علیه زنان در شهر تکاب» با روش پیمایش در بین ۱۲۱ نفر از زنان شهر تکاب انجام دادند. براساس نتایج این پژوهش، بین میزان خشونت علیه زنان با وضعیت اشتغال، نسبت خویشاوندی با همسر، میزان تحصیلات آن‌ها و همسران، میزان درآمد و نوع ازدواج (ارادی و تحمیلی) و قومیت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در مواردی که زوجین از دو قومیت متفاوت بوده (ناهمسانی قومی)، میانگین خشونت کمتر از زمانی بوده که قومیت آن‌ها همسان بوده است، اما بین میزان خشونت علیه زنان با سن پاسخگویان به هنگام ازدواج رابطه وجود ندارد [۱۳].

اینگلهارت و نوریس تحقیقی با عنوان «برابری جنسیتی و تغییرات فرهنگی در سراسر دنیا» انجام دادند که حاصل تحقیقاتشان در کتابی به همین نام توسط دانشگاه کمبریج در سال

۲۰۰۳ چاپ شد. آن‌ها به ظهور نگرش‌های عادلانه‌تر نسبت به زنان و تغییرات در سبک زندگی، تغییر در حوزه عمومی و خصوصی و خانواده‌ها در این کتاب پرداخته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند نگرش‌ها و هنجارهای فرهنگی و روند نوسازی در کشورهای توسعه‌یافته و کمتر توسعه یافته در تغییرات نابرابری جنسیتی مؤثر است. الگوها نشان داد کشورهای که در مراحل اولیه انتقال به توسعه یافتگی هستند یا همچنان سنتی هستند به نقش‌های سنتی جنسیت تأکید دارند. اما در حوزه کار و خانواده، نگرش‌ها و ارزش‌های برابرخواهانه جنسیتی در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر است. در عین حال، دینداری در جوامع کشاورزی همچنان تأثیر عمیقی بر هنجارهای اجتماعی دارد و تقسیم کار و نقش‌های جنسیتی در حوزه عمومی و خصوصی متأثر از باورهای مذهبی است [۲۷].

گئوس در مقاله‌ای با عنوان «عدالت جنسیتی» به تحلیل عدالت جنسیتی پرداخته است. وی دو مدل در تقسیم کار جنسیتی ارائه می‌دهد. مدل اول عدالت جنسیتی مترادف با برابری است و زن و مرد برای دسترسی به عدالت جنسیتی در جهان زندگی‌شان که لذت‌بخش است باید توانمند شوند. در این مدل، هدف توانمندسازی زنان برای رسیدن به برابری با مردان است. در مدل دوم، که بر تفاوت و تمایز متمرکز است، نقش زن و مرد متمایز است و به طور سنتی نقش زنان با خانواده و کارهای خانگی مرتبط است و مردان با سیاست، تجارت و امورات مربوط به آن‌ها. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد زنان هزینه بیشتری را نسبت به مردان در رسیدن به اهداف شغلی می‌پردازند و اغلب، زنان دستمزد کمتری نسبت به مردان در کارهای مشابه دریافت می‌کنند و حقوق قانونی برابر با مردان ندارند [۲۶].

گوروا و هاولیک در پروهشی با عنوان «مذهب و نابرابری جنسیتی: وضعیت زنان در جوامع ادیان جهانی» تأثیر دینداری بر نابرابری جنسیتی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بررسی کردند. آن‌ها دریافته‌اند در مناطقی که اکثریت ساکنان آن بدون وابستگی مذهبی هستند، سطح نابرابری جنسیتی پایین‌تر از جوامعی است که وابستگی مذهبی دارند. همچنین کشورهای مسیحی و بودایی هستند نسبت به کشورهای مسلمان و هندو سطح نابرابری جنسیتی پایینی دارند [۲۸].

با توجه به نقش شرایط تاریخی-اجتماعی در پیدایش پدیده‌های اجتماعی، از جمله عدالت جنسیتی، در پژوهش‌های انجام‌شده اولاً تعریف جامع و مانعی از عدالت جنسیتی بیان نشده که در آن به ابعاد عدالت جنسیتی پرداخته شده باشد و ثانیاً در این پژوهش‌ها عدالت جنسیتی بین چند قوم مطالعه نشده تا مشخص شود میزان تأثیر فرهنگ‌های قومی در کنار سایر عوامل اجتماعی در شکل‌دهی به عدالت جنسیتی به چه میزان است؟

مبانی نظری

واژگان و مفاهیمی که انسان‌ها به‌واسطه زبان در زندگی روزمره برای ارتباط بین‌ذهنی استفاده می‌کنند سطح معنایی و پیچیدگی یکسانی ندارند. برخی از آن‌ها که به لحاظ واژگانی جزء اسامی ذات یا مفاهیم انضمامی قرار می‌گیرند و به طور نوعی مادی هستند به‌وسیله حواس انسانی قابل درک‌اند و به‌راحتی مورد تصدیق طرف مقابل قرار می‌گیرند و همفکری ایجاد می‌کنند. در صورتی که برخی دیگر از مفاهیم در زمره اسامی معنا یا مفاهیم انتزاعی به شمار می‌آیند. غیرمادی و ذهنی بودن این دسته از مفاهیم، که فقط تصوری از آن‌ها در ذهن پدیدار می‌شود، کار تصدیق آن‌ها را از سوی طرف مقابل در رابطه بین‌ذهنی دشوار می‌کند و در نتیجه مانع همفکری می‌شود. به عبارت بهتر، در زمینه برداشت و درک مفاهیم انتزاعی امکان همفکری و توافق کمتری وجود دارد [۲۳]. عدالت جنسیتی از مفاهیم بسیار انتزاعی است که در مطالعات اجتماعی شناخت دقیق و جامع آن مستلزم آگاهی درست از برداشت‌ها و پنداشت‌های مفسران و کنشگران اجتماعی است.

هانا آرنت^۱، فیلسوف و پدیده‌شناس آلمانی، معتقد است: هستی همه کائنات معلول به ادراک درآمدن توسط موجودات ذی‌شعوری چون آدمیان است که به اندام‌های حسی مجهزند تا «بودن» آن‌ها را درک کنند و از کیفیت وجودشان آگاهی یابند [۱].

ماکس وبر^۲، بنیان‌گذار مکتب تفهیمی^۳، موضوع علم جامعه‌شناسی را دریابنده معانی می‌داند و کار پژوهشگر را فهمیدن، دریافتن و تجزیه و تحلیل کردن وقایع. پدیدارشناسی که از مکتب تفهیمی سرچشمه می‌گیرد پدیده را در برابر واقعیت یا بود قرار می‌دهد و آن را حاصل تفسیر انسان از پدیده‌ها [۸] می‌داند. از نظر پدیدارشناسان، «محل نظر و قصداری» اساس معرفت‌شناسی پدیدارشناسی است و ادراک مجرد، بی‌معنا و خالی از محتواست؛ یعنی «ادراک» در ضمن ادراک چیزی ادراک می‌شود [۲۱]. عطار نیشابوری به زیبایی در قالب شعر شیوه تفسیر و درک پدیده‌ها را بیان می‌کند:

هرچه در فهم تو آید آن بود مفهوم تو
کی بود مفهوم تو او کو از آن عالی‌تر است
صورتی کان در درون آینه از عکس توست
در درون آینه هر جا که گویی مضمّر است
از نظر مارکس^۴، کل جامعه را جوهر ایدئولوژیک سوژه طبقاتی ناب^۵ می‌آکند؛ سوژه‌ای که در جای خود به‌منزله بازتاب محض شرایط زندگی و برداشت‌های آن طبقه توصیف می‌شود. هر

1. Hannah Arendt
2. Max Weber
3. understanding sociology
4. Karl Heinrich Marx
5. pur class- subject

سوژه طبقاتی واجد برداشتی است که درباره جهانی که در آن زندگی می‌کنند و این برداشت بر دوره تاریخی که در آن حاکم است مسلط است.

براین اساس، هریک از محققان و جامعه‌شناسان در تبیین عدالت جنسیتی به فراخور آبشخور فکری و موقعیت اجتماعی‌شان به آن پرداخته‌اند. یکی از دیدگاه‌هایی که به مسئله نابرابری و ستم‌دیدگی زنان پرداخته، دیدگاه فمینیسم است. از نظر فمینیست‌ها، جنسیت و پدیده‌های مرتبط با آن دستاورد اجتماعی است. آن‌ها راهکار رسیدن به عدالت جنسیتی را توزیع قدرت و ثروت بر مبنای شایستگی و لیاقت افراد می‌دانند و عامل نابرابری جنسیتی را در عدم تمایز بین مفهوم جنس و جنسیت عنوان می‌کنند (ماری والس‌تون کرافت^۱، ۱۷۹۲، سیمون دوبوووار ۱۹۶۴ و نانسی چودورو ۱۹۷۸).

در مقابل این نوع برداشت، برخی جامعه‌شناسان و زیست‌شناسان اجتماعی، توزیع منابع و تقسیم مشاغل را بر اساس ویژگی‌های ذاتی و طبیعی زنان و مردان عنوان می‌کنند. از دهه ۱۹۷۰، گروهی که به زیست‌شناسان اجتماعی مشهور شدند، از تأثیر ترکیب ژنتیکی در جنبه‌های اجتماعی انسان سخن گفتند. ویلسون و فاکس^۲ از دستورات عمل‌های زیستی متفاوتی سخن گفتند که در جریان رشد تکاملی انسان‌های نخستین نهاده شده و سبب شده است تا زنان با فرزندان‌شان پیوند عاطفی برقرار کنند و نرها به تسلط یافتن بر جنس ضعیف‌تر و در دست داشتن مواضع قدرت گرایش یابند [۱۲].

هایدگر^۳ از بزرگان هرمونتیک بر این باور است که انسان موجودی تاریخی و ساخته دوران تاریخی و سنت‌هاست. وی معتقد است: «هستی ما انسان‌ها ساخته سنت‌هایی است که به ارث برده‌ایم» [۱۵]. بر این اساس، روحیه عدالت‌طلبی یا سلطه‌جویانه هرکس تابع فرایند جامعه‌پذیری و متأثر از ایدئولوژی و فهمی است که از طریق درونی‌شدن فرهنگ و عرف جامعه به وجود می‌آید. بنابراین، ادراک مردم از عدالت جنسیتی از زمینه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی و قومیتی می‌تواند اثر بپذیرد. هیل کالینز^۴ (۱۹۸۹) استدلال می‌کند که تجربه زندگی زنان سیاه‌پوست به مجموعه‌ای از آرا و عقاید و نظریه‌پردازی‌هایی منجر می‌شود که به لحاظ کیفی با زنان سفیدپوست متفاوت است [۲].

قومیت

قوم یک گروه انسانی است که فرهنگ خاص خود را دارد [۳]. به لحاظ ریشه‌شناسی، قوم و

1. Mary Walston Craft
2. Wilson and Fox
3. Heidegger. Martin
4. Patricia Hill collins

قومیت^۱ از واژه یونانی ethnos مشتق شده است که به تفاوت‌ها و تمایزهای میان مردم اشاره دارد. هر گروه قومی اجتماعی کوچک از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگ‌تر است که به صورت واقعی یا احساسی و ادراکی، اصل و نسب، خاطرات و گذشته تاریخی و فرهنگی مشترکی دارند [۶]. ون دن برگ^۲ (۱۹۸۱) برای اولین بار واژه قومیت را به صورت آکادمیک و مدرن در اواخر قرن بیستم در ارجاع به گروه قومی به کار برد. گروه قومی مجموعه‌ای از افراد است که از نظر فرهنگی با یکدیگر مرتبط‌اند و در چارچوب مرزهای قومی مشخصی زندگی می‌کنند. واژه قومیت ابتدا مفهومی مذهبی داشت و به گروه‌های غیرمسیحی که به مسیحیت نگرویده بودند اطلاق می‌شد. پس از مدتی، قومیت مفهوم نژادی و زبانی به خود گرفت و حال این واژه تحولی دیگر یافته و معنای فرهنگی دارد. اما شرق‌شناسان این واژه را برای گروه‌های اقلیت زبانی-مذهبی به کار می‌گیرند [۹].

ایران کشوری چندفرهنگی است و تنوع قومی از ویژگی‌های برجسته آن به شمار می‌رود. برحسب دو شاخص «مذهب و زبان» بین اقوام ایرانی تمایز وجود دارد. بخش زیادی از جمعیت کردزبان‌ها در غرب ایران و بلوچ‌ها در شرق پیرو مذهب تسنن‌اند که از مذهب رسمی کشور متفاوت هستند. درعین حال، ترک‌ها، لرها و بخش زیادی از عرب‌ها از نظر زبانی به حوزه زبانی متفاوتی با زبان رسمی کشور، که فارسی است، تعلق دارند؛ اما از لحاظ مذهبی با توجه به اینکه پیرو مذهب تشیع هستند با مذهب رسمی کشور اختلافی ندارند [۶].

چارچوب نظری پژوهش

هدف این پژوهش مقایسه ادراک عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، کرد و گیلک و بررسی نقش عوامل جامعه‌شناختی در نوع برداشت از این مفهوم است. مهم‌ترین مفهومی که باید در قالب چارچوب نظری مطرح شود «ادراک عدالت جنسیتی» است.

جامعه‌شناسان در تعریف عدالت اجتماعی، که عدالت جنسیتی نیز از زیرشاخه‌های آن است، بر دو بعد متمرکز شده‌اند: الف) بعد توزیعی عدالت که مبتنی بر اصل شایستگی است؛ ب) بعد رویه‌ای عدالت که مبتنی بر اصل نیاز است [۲۳]. بعد توزیعی عدالت در نظریه مبادله از سوی هومنز^۳ مطرح شده است. از نظر هومنز، هرچه قاعده عدالت توزیعی بیشتر به ضرر فرد قادر به واقعیت یافتن نباشد، احتمال اینکه وی رفتار احساسی را، که ما عصبانیت می‌نامیم، نشان دهد بیشتر می‌شود. هومنز معتقد است فعالیت‌های مناسب یک فرد در گذشته، نظیر مهارت، تحصیلات و تخصص و خصوصیات اجتماعی (نژاد و جنس)، مجموعه

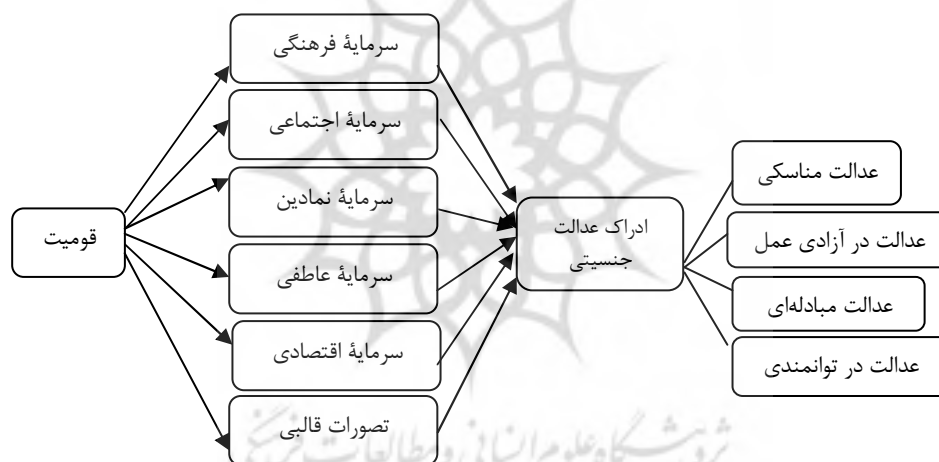
1. ethnicity
2. Pierre Van Den Berghe
3. George Casper Homans

سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که فرد انتظار پاداش از فعالیت‌هایش خواهد داشت [۷]. در این بعد از عدالت، افراد جامعه به محاسبه هزینه پاداش می‌پردازند و براساس آن به تفسیر از عدالت در توزیع منابع کمیاب اقدام می‌کنند.

در بعد رویه‌ای عدالت، توزیع منابع و امکانات ارزشمند مساوات‌طلبانه است تا نیازهای همه افراد جامعه، بدون در نظر گرفتن شایستگی‌ها و توانمندی‌های اکتسابی افراد، تأمین شود. در این دیدگاه، که مبتنی بر آرای مارکس شکل گرفته، در توزیع امکانات و فرصت‌ها ویژگی‌های فردی در اولویت قرار نمی‌گیرد، بلکه در تقسیم منابع همه افراد کم‌وبیش در یک سطح قرار دارند [۱۱]. در این دیدگاه، ویژگی‌های بیولوژیکی و عاطفی افراد در تقسیم نقش‌ها و هویت جنسیتی مقدم بر ویژگی‌های اکتسابی است. تالکوت پارسونز از جامعه‌شناسانی است که نقش بیولوژیکی را در تقسیم نقش‌های جنسیتی اساسی فرض می‌کند. پارسونز بر آن است که زنان بنابر نقش بیولوژیکی‌شان در تولید مثل، گزینه‌ای برای پرورش دیگران دارند و این گزینه آن‌ها را برای ایفای نقشی «پراحساس» در خانواده هسته‌ای کاملاً شایسته می‌کند. این نقش «پراحساس» مستلزم توجه و رسیدگی به نیازهای جسمی و روحی همه اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان تحت تکفل، است. بیولوژی مردان آن‌ها را برای ایفای نقشی ابزاری در خانواده مناسب می‌کند؛ نقشی که مستلزم تأمین نیازهای اقتصادی خانواده و پیوند دادن آن با جهان خارج است. برای آنکه کودک به فردی بالغ و قابل اتکا بدل شود و بتواند جایگاه خود را در جامعه به‌دست آورد، به اعتقاد پارسونز، باید در خانواده‌ای پرورش یابد که بزرگ‌ترها این دو نقش را ایفا کنند. پس ظاهراً نوعی تقسیم کار جنسی در خانواده برای تضمین پرورش «ترمال یا بهنجار» کودک ضروری است. پارسونز گمان می‌کرد کارکرد خانواده در جامعه‌پذیری کودکان عاملی حیاتی در حفظ ثبات اجتماعی است و هیچ نهادی نمی‌تواند این نقش را به خوبی خانواده ایفا کند [۱۹].

بنابراین، از نظر هومنز و پارسونز، دو نوع برداشت از عدالت جنسیتی استنباط می‌شود: الف) ادراک عدالت جنسیتی مدرن: برداشتی که به زنان حق حضور در عرصه عمومی، حق تحصیل و فرصت اشتغال در بیرون از خانه را می‌دهد. در این نوع ادراک، توزیع امکانات و دسترسی به منابع ثروت و منزلت بین زنان و مردان براساس رعایت اصل لیاقت و شایستگی تجویز می‌شود. ب) ادراک عدالت جنسیتی سنتی: در این نوع برداشت که مبتنی بر توزیع امکانات براساس اصل نیاز شکل گرفته، انقیاد و فرمانبری زن ارزشی است که زن به دلیل ویژگی‌های بیولوژیکی، روانی و عاطفی خود باید در فرایند جامعه‌پذیری آن را در خود درونی کند. زن به حکم ویژگی طبیعی‌اش مستحق فرمانبری و اطاعت است و زن توانمند آن است که با چاشنی احساس و عاطفه، امکانات رفاهی شوهر و فرزندان را فراهم کند.

بورديو با مفهوم‌سازی «سرمایه»^۱، برداشت و تفسیر هر فرد از موقعیت اجتماعی‌اش را در میزان بهره‌مندی از انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین) می‌داند [۱۴]. بورديو، همچنین با مفهوم‌پردازی «دوکسا»^۲ یا باور رایج، معتقد است که دوکسا نقطهٔ مقابل تحلیل علمی است که به عادت‌واره و ساخت قدرت در میدان اجتماعی مربوط می‌شود [۲۰] که فرد براساس آن بدون تأمل و تفکر و به‌صورت عادت با تفسیر پدیده‌های اجتماعی به عملکرد در میدان^۳‌های اجتماعی اقدام می‌کند. براساس نظریهٔ بورديو، اگر هر یک از عاملان اجتماعی در فرایند جامعه‌پذیری و قرارگرفتن در موقعیت اجتماعی خاص به واسطهٔ در اختیار داشتن سرمایه‌های اجتماعی از پدیده‌های اجتماعی تفسیرهای متفاوتی ارائه دهند، پس زنان و مردان اقوام ترک، کرد و گیلک به دلیل برخورداری متفاوت از انواع سرمایه‌های اجتماعی و تصورات قالبی در بستر فرهنگ قومیتی منحصربه‌فردشان از عدالت جنسیتی به‌منزلهٔ پدیده‌های اجتماعی برداشت و تفسیر متمایزی خواهند داشت. با توجه به مبانی نظری پژوهش، مدل نظری ترسیم شده است:



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

۱. ادراک عدالت جنسیتی بین قومیت‌های ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛
۲. ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه فرهنگی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛

1. capital
2. doxa
3. field

۳. ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه اجتماعی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛
۴. ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه نمادین بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛
۵. ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه اقتصادی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛
۶. ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه عاطفی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛
۷. ادراک عدالت جنسیتی براساس تصورات قالبی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است؛

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایش انجام شده است. جامعه آماری شامل زنان ۲۰ سال به بالای قوم ترک ساکن در شهرستان پارس‌آباد، خلخال و اردبیل، قوم گیلک ساکن شهرستان تالش، رشت و لاهیجان و قوم کرد ساکن شهرستان پیرانشهر، سنندج و بیجار است که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۸۰۰ هزار و ۹۵۶ نفر است. شیوه نمونه‌گیری هدفمند از نوع سهمیه‌ای است. با عنایت به اهمیت متغیر مذهب در تعریف قومیت، سه شهرستان از هر استان ترک‌نشین، کردنشین و گیلک‌نشین، که تنوع مذهبی (سنی و شیعه) داشتند، با لحاظ کردن دوری و نزدیکی به مرز انتخاب شدند. در ادامه، براساس جمعیت هریک از آن‌ها با استفاده از فرمول کوکران ۴۳۴ نفر حجم نمونه تعیین شد.

جدول ۱. جامعه آماری و حجم نمونه

قومیت	شهرستان	مرزی/ دور از مرز	جامعه آماری	حجم نمونه	تعداد پرسش‌نامه‌های توزیع شده بین قومیت‌ها
گیلک	تالش	مرزی	۲۷۳۵۸	۲۰	۱۶۱
	لاهیجان	دور از مرز	۴۱۱۵۷	۴۱	
	رشت	مرکز استان	۲۹۰۸۳۶	۱۰۰	
ترک	اردبیل	مرکز استان	۱۸۳۲۹۵	۹۸	۱۳۷
	خلخال	دور از مرز	۱۶۸۲۲	۱۷	
	پارس‌آباد	مرزی	۳۴۹۴۳	۲۲	
کرد	سنندج	مرکز استان	۱۴۹۳۲۷	۸۹	۱۳۶
	پیرانشهر	مرزی	۳۶۵۳۶	۲۹	
	بیجار	دور از مرز	۲۰۶۸۲	۱۸	

در جدول ۱، به تفکیک شهرستان‌های مطالعه‌شده، جامعه آماری (جمعیت زنان بالای ۲۰ سال)، حجم نمونه و مرزی یا دور از مرز بودن شهرستان‌ها آورده شده است.

ابزار سنجش

به منظور گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. پرسش‌نامه دربرگیرنده دو بخش مشخصات فردی و گویه‌های سنجش میزان ادراک عدالت جنسیتی، سرمایه‌های اجتماعی و تصورات قالبی است؛ به طوری که برای تعریف عملیاتی مفهوم ادراک عدالت جنسیتی چهار بُعد در نظر گرفته شد که عبارت‌اند از: ۱. ادراک عدالت مناسکی، ۲. ادراک عدالت مبادله‌ای، ۳. ادراک عدالت در توانمندی و ۴. ادراک عدالت در آزادی عمل.

منظور از ادراک عدالت مناسکی عبارت است از رعایت اصل انصاف در تعاملات اجتماعی زنان و مردان و حذف هرگونه پیش‌داوری در روابط بین دو جنس زن و مرد. منظور از ادراک عدالت مبادله‌ای عبارت است از دسترسی منصفانه به هرگونه مشاغل با لحاظ کردن تفاوت‌های بیولوژیکی و روانی زنان و مردان در چارچوب مقررات اجتماعی و مالکیت عادلانه افراد به دسترنج خود یا قانوناً متعلق به او. منظور از ادراک عدالت در توانمندی عبارت است از ایجاد فرصت برابر برای توانمندی زنان جهت به‌کارگیری مهارت‌های مختلف زندگی. منظور از ادراک عدالت در آزادی عمل عبارت است از قدرت برابر افراد در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب‌های روزمره، فارغ از جنسیتشان [۱۷].

برای سنجش متغیر ادراک عدالت مناسکی ابتدا سه شاخص نوع تعامل زن و شوهر در خانواده، میزان پذیرش دختر و پسر در خانواده، حاکمیت مردسالاری تعیین شد، سپس با تنظیم نه گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، تاحدودی=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) سنجیده شد. ادراک عدالت مبادله‌ای با در نظر گرفتن شاخص‌های تقسیم کار بین زن و شوهر در خانواده و جامعه، مالکیت زنان بر مستغلات، اموال منقول خانواده و بهره‌مندی زنان از بیمه بازنشستگی و درمانی با ۱۰ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، تاحدودی=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) سنجیده شد. ادراک عدالت در توانمندی با استفاده از شاخص‌های داشتن مهارت رانندگی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، مهارت‌های ورزشی و میزان آشنایی با حقوق خود با ۹ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، تاحدودی=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) سنجیده شد. همچنین، برای سنجش ادراک عدالت در آزادی عمل شاخص‌های قدرت انتخاب شغل، رشته تحصیلی، آزادی در سفر، انتخاب محل سکونت و نوع پوشش انتخاب، سپس با ۱۶ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، تاحدودی=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) سنجیده شد.

برای سنجش متغیر سرمایه فرهنگی ابتدا سه بعد تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده در نظر گرفته شد. بعد تجسم‌یافته با شاخص‌های میزان شناخت شعرا و نویسندگان، آشنایی با زبان خارجه، داشتن مهارت در موسیقی و طراحی، در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، تاحدودی=۳، کم=۲ و خیلی کم=۱) سنجیده شد. بعد عینیت‌یافته با شاخص‌های میزان استفاده از اینترنت، مطالعه کتاب و مجله، بازدید از اماکن تفریحی و

گردشگری، در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، کم=۳، خیلی کم=۲ و هرگز=۱) سنجیده شد. بعد نهاده‌شده نیز با پرسش از سطح تحصیلات پاسخگو، سطح تحصیلات پدر و مادر و در صورت متأهل بودن سطح تحصیلات همسر سنجیده شد. متغیر سرمایه اجتماعی با در نظر گرفتن سه بعد اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها و تعریف شاخص‌هایی برای هر یک از آن‌ها عملیاتی شد. به طوری که برای بعد اعتماد سه شاخص میزان امنیت، صداقت و رازداری، برای بعد هنجارها سه شاخص میزان همکاری، مشورت و حمایت درون خانواده و برای بعد شبکه‌ها با پرسش از عضویت در انجمن‌ها، گروه‌ها، هیئت‌ها در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، کم=۳، خیلی کم=۲ و هرگز=۱) سنجیده شد. برای سنجش سرمایه نمادین دو شاخص میزان احترام به زنان در خانواده و جایگاه او نزد خانواده پدری همسرشان در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (خیلی زیاد=۵، زیاد=۴، کم=۳، خیلی کم=۲ و هرگز=۱) سنجیده شد. متغیر سرمایه اقتصادی با پرسش از میزان درآمد و دارایی زن و نوع منزل مسکونی شان با ۳ گویه سنجیده شد. برای سنجش متغیر سرمایه عاطفی سه شاخص میزان تفاهم زوجین، خوش‌مشربی زوجین و جذابیت ظاهری در نظر گرفته شد و با ۶ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، تاحدودی=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) سنجیده شد. برای عملیاتی کردن متغیر تصورات قالبی دو بعد (مثبت و منفی) منظور شد. سپس با شاخص‌هایی چون میزان جرئت‌مندی، خلاقیت، شهامت، خرافاتی بودن، بهانه‌گیر بودن زنان با استفاده از ۵ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق=۵، موافق=۴، تاحدودی=۳، مخالف=۲ و کاملاً مخالف=۱) سنجیده شد.

برای برآورد اعتبار سازه متغیرهای پژوهش، از تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. همچنین اعتبار صوری پرسش‌نامه با استفاده از نظر خبرگان تأیید شد.

جدول ۲. شاخص‌های تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش

متغیر تأییدی	ادراک عدالت جنسیتی	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	سرمایه نمادین	سرمایه اقتصادی	سرمایه عاطفی	تصورات قالبی
RMSEA	۰٫۰۵۱	۰٫۰۷۱	۰٫۰۷۲	۰٫۰۲۰	۰٫۰۶۸	۰٫۰۶۱	۰٫۰۷۵
GFI	۰٫۹۴	۰٫۹۱	۰٫۹۱	۰٫۹۷	۰٫۹۲	۰٫۹۳	۰٫۹۰
AGFI	۰٫۹۳	۰٫۹۰	۰٫۹۱	۰٫۹۸	۰٫۹۱	۰٫۹۲	۰٫۹۰
RFI	۰٫۹۴	۰٫۹۱	۰٫۹۰	۰٫۹۸	۰٫۹۲	۰٫۹۳	۰٫۹۱
IFI	۰٫۹۵	۰٫۹۴	۰٫۹۱	۰٫۹۹	۰٫۹۴	۰٫۹۴	۰٫۹۲
CFI	۰٫۹۶	۰٫۹۱	۰٫۹۲	۰٫۹۷	۰٫۹۲	۰٫۹۴	۰٫۹۱
NFI	۰٫۹۴	۰٫۹۰	۰٫۹۲	۰٫۹۸	۰٫۹۱	۰٫۹۴	۰٫۹۱
NNFI	۰٫۹۵	۰٫۹۲	۰٫۹۱	۰٫۹۷	۰٫۹۳	۰٫۹۵	۰٫۹۰

با توجه به نتیجه شاخص‌های تحلیل عامل تأییدی در جدول ۲، گویه‌های همه متغیرهای پژوهش توان سنجش سازه‌های مد نظر را دارند.

برای تعیین میزان پایایی ابزار سنجش، از روش توافق داخلی ابزار اندازه‌گیری، که مهم‌ترین شاخص آن آلفای کرونباخ است، استفاده شده است. جهت بررسی آلفای کرونباخ پرسش‌نامه، به صورت پیش‌آزمون^۱ ابتدا ۴۱ پرسش‌نامه بین پاسخگویان به صورت تصادفی توزیع شد. سپس از طریق نرم‌افزار SPSS آلفای هر یک از متغیرهای پرسش‌نامه محاسبه شد که با حذف گویه‌های ناهماهنگ، آلفای هر یک از متغیرهای پژوهش مشخص شد.

جدول ۳. آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
ادراک عدالت در توانمندی	۹	۰/۷۰
ادراک عدالت مناسکی	۹	۰/۷۱
ادراک عدالت در آزادی عمل	۱۶	۰/۸۵
ادراک عدالت مبادله‌ای	۱۰	۰/۶۰
سرمایه نمادین	۵	۰/۹۱
سرمایه اقتصادی	۳	۰/۶۱
سرمایه فرهنگی	۱۵	۰/۶۹
سرمایه اجتماعی	۱۱	۰/۸۵
سرمایه عاطفی	۶	۰/۹۱
تصورات قالبی	۵	۰/۷۶
میانگین آلفای کلی		۰/۷۵۹

به طوری که در جدول ۳ آمده ضرایب آلفای کرونباخ برای همه متغیرها بالاتر از ۰/۶۰ درصد و مقدار ضریب کل پرسش‌نامه ۰/۷۵ درصد به دست آمد؛ لذا مقدار ضرایب توافق داخلی گویه‌ها را تأیید می‌کند.

یافته‌های پژوهش

بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۳۱/۶ درصد (۳۷ نفر) پاسخگویان ترک، ۳۱/۳ درصد (۳۶ نفر) کرد و ۳۷/۱ درصد (۶۱ نفر) گیلک بودند. از نظر نوع مذهب، ۱۸ درصد (۸۰ نفر) پاسخگویان سنی مذهب و ۸۲ درصد (۳۵۴ نفر) شیعه مذهب بودند. به لحاظ نوع تأهل، ۱۳/۴ درصد (۵۸ نفر) مجرد و ۷۵/۶ درصد (۳۲۸ نفر) متأهل، ۶/۷ درصد (۲۹ نفر) مطلقه و ۴/۴ درصد (۱۹ نفر) بیوه

بودند. همچنین، براساس سطح تحصیلات، ۲۹ درصد (۱۲۶ نفر) دارای سطح تحصیلات زیردیپلم، ۲۲/۶ درصد (۹۸ نفر) دارای تحصیلات دیپلم، ۱۲/۷ درصد (۵۵ نفر) فوق‌دیپلم، ۲۶/۳ درصد (۱۱۴ نفر) لیسانس، ۹ درصد (۳۹ نفر) فوق لیسانس و ۰/۵ درصد (۲ نفر) دارای سطح تحصیلات دکتری بودند. توزیع درصد نسبی پاسخگویان براساس سن به نحوی است که ۲۱/۹ درصد (۹۵ نفر) در گروه سنی ۲۰-۲۹ ساله، ۳۰/۲ درصد (۱۳۱ نفر) در گروه سنی ۳۰-۳۹ ساله، ۳۱/۸ درصد (۱۳۸ نفر) در گروه سنی ۴۰-۴۹ ساله، ۱۲/۷ درصد (۵۵ نفر) در گروه سنی ۵۰-۵۹ ساله و ۳/۵ درصد (۱۵ نفر)، ۶۰ سال به بالا بودند. براساس یافته‌های پژوهش، میانگین ادراک عدالت جنسیتی پاسخگویان ۱۲۳/۲۷ تعیین شد. با توجه به میانگین فرضی ادراک عدالت جنسیتی (۱۲۱/۳)، می‌توان گفت برداشت پاسخگویان از عدالت جنسیتی از نوع مدرن است. همچنین با مقایسه درصد نسبی ادراک عدالت جنسیتی مشخص شد ۴۸ درصد پاسخگویان برداشتشان از عدالت جنسیتی از نوع سنتی و ۵۲ درصد از نوع مدرن است. به عبارتی، از نظر بیشتر پاسخگویان عدالت جنسیتی دستاورد اجتماعی و برآیند سنت‌های حاکم بر جامعه است.

جدول ۴. شاخص‌های پراکندگی و مرکزی میزان ادراک عدالت جنسیتی بر حسب قومیت

قومیت	تعداد مشاهدات	ماکزیمم	مینیمم	میانگین	واریانس	انحراف معیار
ترک	۱۳۷	۱۹۱	۵۷	۱۲۷/۱۶	۸۳۰/۳۸	۲۸/۸۱
کرد	۱۳۶	۱۷۳	۶۰	۱۰۳/۰۲	۵۶۸/۶۷	۲۳/۸۴
گیلک	۱۶۱	۱۸۸	۶۷	۱۳۷/۰۸	۵۰۰/۱۸	۲۲/۳۶

براساس جدول ۴، میانگین نمره ادراک عدالت جنسیتی براساس قومیت نشان می‌دهد بالاترین میانگین نمره ادراک عدالت جنسیتی متعلق به قوم گیلک (۱۳۷/۰۸) و پایین‌ترین نمره متعلق به قوم کرد (۱۰۳/۰۲) است. به عبارتی، ادراک عدالت جنسیتی اقوام کرد از نوع سنتی و ادراک عدالت جنسیتی قوم گیلک از نوع مدرن است. همچنین، با توجه به میانگین نمره قوم ترک (۱۲۷/۱۶)، برداشت آن‌ها از ادراک عدالت جنسیتی بینابین سنتی و مدرن است.

تحلیل فرضیه اول: ادراک عدالت جنسیتی بین قومیت‌های ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

برای تحلیل استنباطی داده‌ها و اطمینان از معنادار بودن تفاوت چهار بعد عدالت جنسیتی به‌عنوان متغیرهای وابسته پژوهش بین اقوام ترک، کرد و گیلک، از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد، زیرا در طرح تحلیل واریانس چندمتغیره دو یا چند متغیر وابسته با یک یا چند متغیر مستقل ارزیابی می‌شوند. پیش از اجرای آزمون واریانس چندمتغیره، مفروضه‌های آن بررسی شد. نتایج آزمون ام‌باکس برای یکسانی ماتریس کورایانس نشان داد این مفروضه برقرار است ($P=0.551$ و $F=2.127$). علاوه بر آن، نتایج آزمون لوین نشان داد خطای واریانس برای همه متغیرهای مقایسه‌شده یکسان است. پس از حصول اطمینان از

ارزیابی مفروضه‌های آزمون، میانگین نمره‌های ابعاد ادراک عدالت جنسیتی برحسب قومیت‌ها (ترک، کرد و گیلک) بررسی شدند.

جدول ۵. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته بین اقوام ترک، کرد و گیلک

متغیرها	زبان	میانگین	انحراف استاندارد
ادراک عدالت مناسکی	ترک	۲۳/۱۶	۴/۹۲
	کرد	۱۹/۱۸	۴/۵۱
	گیلک	۲۳/۸۶	۴/۸۹
ادراک عدالت در توانمندی	ترک	۲۸/۶	۷/۵۷
	کرد	۲۳/۵۸	۷/۱۱
	گیلک	۳۲/۳۲	۶/۰۹
ادراک عدالت مبادله‌ای	ترک	۲۳/۴۴	۶/۳۳
	کرد	۱۸/۰۲	۴/۵۷
	گیلک	۲۵/۳۲	۵/۴۴
ادراک عدالت در آزادی عمل	ترک	۵۱/۹۳	۱۳/۵۴
	کرد	۴۲/۲۳	۱۱/۴۰
	گیلک	۵۵/۵۶	۱۰/۲۱

براساس جدول ۵، میانگین نمره ادراک عدالت مناسکی بین قوم ترک ۲۳/۲۶، قوم کرد ۲۰/۲۴ و قوم گیلک ۲۴/۶۴ است. به عبارتی، میانگین نمره ادراک عدالت مناسکی بین قوم گیلک بیش از سایر اقوام است. همچنین، میانگین نمره ادراک عدالت در توانمندی بین قوم ترک ۲۸/۷، قوم کرد ۲۵/۱۱ و گیلک‌ها ۳۲/۷۸ است. میانگین نمره گیلک‌ها در ادراک عدالت توانمندی نیز بیش از بقیه اقوام است. میانگین نمره متغیر ادراک عدالت مبادله‌ای بین قوم ترک ۲۳/۷، کردها ۱۹/۴۵ و قوم گیلک ۲۶/۵۲ است. بنابراین، نمره ادراک عدالت مبادله‌ای گیلک‌ها از بقیه اقوام بیشتر است. همچنین نمره میانگین ادراک عدالت در آزادی عمل بین ترک‌ها ۵۱/۹۶، کردها ۴۴/۹۲ و گیلک‌ها ۵۶/۷۵ گزارش شده که نشان می‌دهد در این بعد نیز نمره گیلک‌ها بیش از ترک‌ها و کردهاست.

برای آزمون معناداری تحلیل واریانس چندمتغیره، چهار آزمون (اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هوتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی) وجود دارد که پرکاربردترین آن آزمون لامبدای ویلکز است.

جدول ۶. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجدوراتا
لامبدای ویلکز	۰/۷۱۳	۱۹/۷۳	۸	۸۵۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری در ترکیب خطی نمره‌های

ادراک ابعاد عدالت جنسیتی و اقوام (ترک، کرد و گیلک) وجود دارد ($P=0.000$, $F=0.713$) لامبدای ویلکز). مجذور ضریب اتا نشان می‌دهد ۱۵ درصد از واریانس ابعاد عدالت جنسیتی با متغیر قومیت تعیین می‌شود. این بدان معناست که تغییرات در متغیر مستقل دست کم بر یکی از ابعاد عدالت جنسیتی معنادار بوده است.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین قومیت‌ها

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا
	ادراک عدالت مناسکی	۲	۹۰۷,۰۸	۳۹,۵۳	۰,۰۰۰	۰,۱۵۵
ترک	ادراک عدالت در توانمندی	۲	۲۸۲۱,۱۸	۵۹,۰۸	۰,۰۰۰	۰,۲۱۵
کرد	ادراک عدالت مبادله‌ای	۲	۲۰۶۵,۵۴	۶۸,۳۹	۰,۰۰۰	۰,۲۴۱
گیلک	ادراک عدالت در آزادی عمل	۲	۶۸۳۶,۵۷	۴۹,۷۵	۰,۰۰۰	۰,۱۸۸

برای بررسی الگوهای تفاوت در هریک از متغیرهای وابسته پژوهش از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد. نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد واریانس هر چهار متغیر براساس قومیت پاسخگویان متفاوت است ($P=0.000$). ضرایب اتا نیز نشان می‌دهد ۱۵ درصد از واریانس بعد عدالت مناسکی، ۲۱ درصد از واریانس بعد عدالت در توانمندی، ۲۴ درصد از واریانس بعد عدالت مبادله‌ای و ۱۸ درصد از واریانس عدالت در آزادی عمل با قومیت متمایز می‌شود.

جدول ۸. آزمون شفه جهت مقایسه دو به دو ابعاد عدالت جنسیتی بین قومیت‌ها

گروه‌ها (I)	گروه‌ها (J)	اختلاف میانگین	خطای انحراف معیار	سطح معناداری
	کرد	*۳,۹۸۴	۰,۵۷۹	۰,۰۰۰
ادراک عدالت مناسکی	ترک	*۳,۹۸۴	۰,۵۷۹	۰,۰۰۰
	گیلک	*-۷,۰۱	۰,۵۵۶	۰,۴۵۳
	کرد	*-۴,۶۸۵	۰,۵۵۷	۰,۰۰۰
ادراک عدالت در توانمندی	ترک	*۵,۰۳	۰,۸۳۶	۰,۰۰۰
	گیلک	*-۳,۷۰	۰,۸۰۳	۰,۰۰۰
	کرد	*-۸,۷۴	۰,۸۰۴	۰,۰۰۰
ادراک عدالت مبادله‌ای	ترک	*۵,۴۲	۰,۶۶۵	۰,۰۰۰
	گیلک	*-۱,۸۷	۰,۶۳۸	۰,۰۱۴
	کرد	*-۷,۳۰	۰,۶۴۰	۰,۰۰۰
ادراک عدالت در آزادی عمل	ترک	*۹,۶۹	۱,۴۱	۰,۰۰۰
	گیلک	*-۳,۶۳	۱,۳۶	۰,۰۳۰
	کرد	*-۱۳,۳۲	۹,۹۷	۰,۰۰۰

براساس اطلاعات جدول ۸، اختلاف میانگین نمره‌های دوبه‌دو قومیت‌ها که با آزمون شفیه محاسبه شد نشان می‌دهد بالاترین اختلاف میانگین ادراک عدالت مناسکی، ادراک عدالت در توانمندی، ادراک عدالت مبادله‌ای و ادراک عدالت در آزادی عمل بین قوم کرد و گیلک است. به عبارتی، گیلک‌ها نسبت به کردها و سپس نسبت به ترک‌ها ویژگی‌های بیولوژیکی و روانی زنان را در تعیین نقش‌ها، حقوق و تکالیف آن‌ها کمتر لحاظ می‌کنند.

تحلیل فرضیه دوم: ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه فرهنگی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

به منظور بررسی معنادار بودن تفاوت میانگین‌های مشاهده‌شده ابعاد ادراک عدالت جنسیتی بین اقوام (ترک، کرد و گیلک) برحسب میزان سرمایه فرهنگی‌شان، پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره محاسبه شد؛ به طوری که نتیجه آزمون ام‌باکس نشان داد شرط همگنی رعایت شده است، زیرا سطح معناداری این آزمون بالاتر از ۰/۰۵ است ($P=0/058$ و $F=1/234$). همچنین، نتیجه آزمون لوین نشان داد واریانس‌های خطاهای همه متغیرها باهم برابرند ($P \geq 0/05$). برای آزمون معناداری تحلیل واریانس چندمتغیره از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شده است.

جدول ۹. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
لامبدای ویلکز	۰/۲۰۴	۴/۲۶۵	۱۵۲	۱۳۲۱/۵۶۹	۰/۰۰۰	۰/۳۲۸

براساس جدول ۹، آزمون لامبدای ویلکز تفاوت میانگین ابعاد ادراک عدالت جنسیتی را براساس سرمایه فرهنگی اقوام (ترک، کرد و گیلک) تأیید می‌کند ($P=0/000$ و $P=0/204$) = لامبدای ویلکز). همچنین مجذور ضریب اتا نشان می‌دهد ۳۲ درصد از واریانس ابعاد عدالت جنسیتی با متغیر سرمایه فرهنگی اقوام تبیین می‌شود. این بدان معناست که تغییرات در متغیرهای مستقل سرمایه فرهنگی بین گروه‌های قومی دست‌کم بر یکی از ابعاد عدالت جنسیتی معنادار بوده است.

برای مقایسه تأثیرات متقابل متغیر مستقل سرمایه فرهنگی و قومیت روی هر یک از ابعاد ادراک عدالت جنسیتی تحلیل‌های مربوط به تأثیرات بین متغیرها بررسی شد که نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۱۰ قابل مشاهده است:

جدول ۱۰. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، گیلک و کرد براساس سرمایه فرهنگی

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجزورات	ضریب F	سطح معناداری	مجزورات
	ادراک عدالت مناسکی	۳۸	۸۷,۹۹۱	۵,۷۴۷	۰,۰۰۰	۰,۳۹۵
سرمایه فرهنگی قومیت	ادراک عدالت در توانمندی	۳۸	۲۶۵,۴۳۵	۱۱,۴۵۸	۰,۰۰۰	۰,۵۶۶
	ادراک عدالت مبادله‌ای	۳۸	۱۶۶,۷۷۵	۱۱,۳۹۵	۰,۰۰۰	۰,۵۶۵
	ادراک عدالت در آزادی عمل	۳۸	۷۹۴,۴۷۳	۱۲,۵۰۸	۰,۰۰۰	۰,۵۸۷

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد اثر متقابل میزان سرمایه فرهنگی و قومیت در تفاوت میانگین نمره‌های ابعاد ادراک عدالت جنسیتی معنادار است. ($P=۰,۰۰۰$) و ترکیب خطی متغیر سرمایه فرهنگی و قومیت بیشترین تمایز را در بعد ادراک عدالت در آزادی عمل نشان می‌دهد. با ملاحظه ضرایب اتا، ۳۹ درصد از واریانس بعد عدالت مناسکی، ۵۶ درصد از واریانس بعد عدالت در توانمندی، ۵۶ درصد از واریانس بعد عدالت مبادله‌ای و ۵۸ درصد از واریانس عدالت در آزادی عمل، با اثر متقابل سرمایه فرهنگی و قومیت تبیین می‌شود. به عبارتی، برخورداری زنان اقوام ترک و کرد و گیلک از تحصیلات دانشگاهی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و آشنایی با حقوق و وظایفشان در تعیین نوع برداشت آن‌ها از هر یک از ابعاد ادراک عدالت جنسیتی متفاوت است. تحلیل فرضیه سوم: ادراک عدالت جنسیتی بر حسب سرمایه اجتماعی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

برای مقایسه میانگین تأثیرات سرمایه اجتماعی و قومیت بر ابعاد ادراک عدالت جنسیتی مناسب‌ترین آزمون، تحلیل واریانس چندمتغیره است. با ارزیابی یکسانی ماتریس کواریانس به عنوان اولین مفروضه این تحلیل، آزمون ام باکس انجام شد که نتیجه آن یکسانی ماتریس کواریانس را تأیید می‌کند ($P=۰,۰۶۴$ و $F=۱,۱۱۴$). علاوه بر این، برای تعیین میزان خطای واریانس متغیرهای مقایسه‌شده از آزمون لوین استفاده شد که نشان داد خطای واریانس همه متغیرها یکسان است ($P\geq ۰,۰۵$). لذا آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره قابل اجراست. برای تعیین اینکه اثر متقابل سرمایه اجتماعی اقوام، حداقل تفاوت میانگین یکی از ابعاد ادراک عدالت جنسیتی مشخص تأیید می‌کند از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجزورات
لامبدای ویلکز	۰,۲۵۴	۳,۹۵۶	۱۴۰	۱۳۴۶	۰,۳۶۷

نتایج جدول ۱۱ نشان می‌دهد میانگین نمره‌های حداقل یکی از ابعاد عدالت جنسیتی براساس سرمایه اجتماعی اقوام (ترک، کرد و گیلک) متمایز است ($P=0.000$ و $0.367 =$ لامبدای ویلکز). به منظور پی‌بردن به این تفاوت که سرمایه اجتماعی اقوام ترک، کرد و گیلک بر کدام یک از ابعاد عدالت جنسیتی معنادار است، از تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج به‌دست آمده در جدول ۱۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۲. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، گیلک و کرد براساس سرمایه اجتماعی

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا
سرمایه اجتماعی قومیت	ادراک عدالت مناسکی	۳۵	۷۹,۲۳۸	۴,۵۰۷	۰,۰۰۰	۰,۳۱۶
	ادراک عدالت در توانمندی	۳۵	۵۱۳,۳۰۷	۹,۰۶۱	۰,۰۰۰	۰,۴۸۲
ادراک عدالت در میادله‌ای	ادراک عدالت میادله‌ای	۳۵	۴۳۵,۵۸۵	۱۲,۰۳۸	۰,۰۰۰	۰,۵۵۳
	ادراک عدالت در آزادی عمل	۳۵	۱۷۹۷,۹۶۸	۱۵,۷۹۶	۰,۰۰۰	۰,۶۱۹

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی اقوام در تعیین تفاوت میزان ادراک ابعاد عدالت جنسیتی معنادار است و تغییرات ناشی از برخورداری از میزان سرمایه اجتماعی است ($P=0.000$). کمترین تفاوت میانگین نمره‌ها در بعد ادراک عدالت جنسیتی (۷۹,۲۳۸) و بیشترین تفاوت میانگین در بعد ادراک عدالت در آزادی عمل است. با عنایت به نتایج ضرایب اتا ۳۱ درصد از واریانس بعد ادراک عدالت مناسکی، ۴۸ درصد از واریانس بعد ادراک عدالت در توانمندی، ۵۵ درصد از واریانس بعد ادراک عدالت میادله‌ای و ۶۱ درصد از واریانس بعد ادراک عدالت در آزادی عمل با سرمایه اجتماعی اقوام تبیین می‌شود. به عبارتی، میزان سرمایه اجتماعی اقوام ترک، کرد و گیلک بالاترین تفاوت برداشت را در بعد عدالت در آزادی عمل زنان (قدرت آن‌ها در تصمیم‌گیری و انتخاب‌های روزمره‌شان) نشان می‌دهد.

تحلیل فرضیه چهارم: ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه نمادین بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

با عنایت به اینکه تعداد متغیرهای وابسته چهار مورد بوده، برای تعیین تفاوت میانگین آن‌ها براساس دو متغیر مستقل سرمایه نمادین و قومیت مناسب‌ترین آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره است. استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیره پیش‌فرض اصلی آن تشخیص همگن بودن ماتریس‌های کواریانس گروه‌هاست که این مفروضه با آزمون ام‌باکس بررسی شد که

نتیجه آن نشان داد شرط همگنی رعایت شده است، زیرا سطح معناداری این آزمون بالاتر از ۰/۰۵ است ($F=۲/۲۰۴$ و $P=۰/۰۷۷$). آزمون لوین نیز شرط همسانی واریانس‌های بین‌گروهی را تأیید می‌کند ($P \geq ۰/۰۵$). برای آزمون معناداری تحلیل واریانس چندمتغیره از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شده است.

جدول ۱۳. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۲۸	۶/۰۳۸	۸۰	۱۴۷۷/۸۰۵	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳

طبق نتایج جدول ۱۳، شاخص لامبدای ویلکز که تفاوت ابعاد عدالت جنسیتی را براساس سرمایه نمادین اقوام نشان می‌دهد معنادار است ($P=۰/۰۰۰$ و $=۰/۳۲۸$ لامبدای ویلکز). به عبارتی، میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی براساس اثر متقابل سرمایه نمادین و قومیت متفاوت است. در پاسخ به این سؤال که تفاوت مشاهده‌شده براساس میزان سرمایه نمادین اقوام در کدام‌یک از متغیرهای وابسته معنادار است از تحلیل واریانس استفاده شد.

جدول ۱۴. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، گیلک و کرد براساس سرمایه نمادین

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا
سرمایه نمادین قومیت	ادراک عدالت مناسکی	۲۰	۱۲۷/۳۵۹	۷/۳۰۴	۰/۰۰۰	۰/۲۷۹
	ادراک عدالت در توانمندی	۲۰	۳۶۴/۵۳۵	۱۲/۶۸۱	۰/۰۰۰	۰/۴۰۲
ادراک عدالت در آزادی عمل	ادراک عدالت مبادله‌ای	۲۰	۲۷۱/۰۵۶	۱۶/۶۰۶	۰/۰۰۰	۰/۴۶۸
	ادراک عدالت در آزادی عمل	۲۰	۱۳۶۳/۳۷۴	۲۱/۶۶۵	۰/۰۰۰	۰/۵۳۵

با ملاحظه جدول ۱۴، میانگین نمره‌های هر چهار بعد عدالت جنسیتی به‌عنوان متغیرهای وابسته، برحسب اثر متقابل سرمایه نمادین زنان و قومیت آن‌ها متفاوت است؛ به طوری که بیشترین تفاوت میانگین مربوط به ادراک عدالت در آزادی عمل (۲۱/۶۶۵) و کمترین تفاوت در ادراک عدالت مناسکی است (۷/۳۰۴). به عبارتی، زنان اقوام ترک، کرد و گیلک براساس سرمایه اجتماعی‌شان، تعریفشان از آزادی زنان در جامعه و خانواده متفاوت‌تر از دیگر ابعاد ادراک عدالت جنسیتی است. براساس نتیجه ضریب اتا ۲۷ درصد از

واریانس بعد عدالت مناسکی، ۴۰ درصد از واریانس بعد عدالت در توانمندی، ۴۶ درصد از واریانس بعد عدالت مبادله‌ای و ۵۳ درصد از واریانس عدالت در آزادی عمل با برخورداری اقوام از میزان سرمایه‌نمادین تبیین می‌شود.

تحلیل فرضیه پنجم: ادراک عدالت جنسیتی بر حسب سرمایه اقتصادی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

برای آزمون این فرضیه با توجه به ابعاد چهارگانه ابعاد عدالت جنسیتی به‌عنوان متغیرهای وابسته از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. شرط همگنی ماتریس‌های واریانس با آزمون ام‌باکس محاسبه شد که نتایج نشان داد شرط همگنی رعایت شده است ($P=0.060$) و $F=1.284$). شرط مهم دیگر این تحلیل برابری واریانس‌های خطاهای گروه‌هاست که آزمون لوین نشان داد واریانس‌های خطاهای همه متغیرها باهم برابرند ($P \geq 0.05$).

جدول ۱۵. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
لامبدای ویلکز	۰٫۷۵۲	۱٫۲۸۹	۸۸	۱۵۵۶۵۰۸	۰٫۰۴۰	۰٫۰۸۷

همان‌طور که در جدول ۱۵ مشاهده می‌شود، تفاوت معناداری در ترکیب خطی نمره‌های عدالت جنسیتی و سرمایه اقتصادی اقوام وجود ندارد ($P=0.040$, $\lambda=0.752$ لامبدای ویلکز). این بدان معناست که تغییرات در متغیرهای مستقل دست‌کم بر یکی از ابعاد عدالت جنسیتی معنادار بوده است. مجذور ضریب اتا نشان می‌دهد ۸ درصد از واریانس ابعاد عدالت جنسیتی با متغیر سرمایه اقتصادی زنان ترک، کرد و گیلک تعیین می‌شود. برای شناسایی اینکه تفاوت مشاهده‌شده در کدامیک از ابعاد عدالت جنسیتی (متغیرهای وابسته) معنادار است، به تحلیل واریانس پرداخته شد.

جدول ۱۶. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، گیلک و کرد بر اساس سرمایه اقتصادی

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا
ادراک عدالت مناسکی	۲۲	۲۴٫۵۹۷	۱٫۲۲۵	۰٫۰۶۸	۰٫۰۶۲	
ادراک عدالت در توانمندی	۲۲	۵۸٫۹۸۵	۱٫۶۲۷	۰٫۰۲۲	۰٫۱۰۳	
ادراک عدالت مبادله‌ای	۲۲	۲۷٫۷۴۹	۱٫۴۴۲	۰٫۰۵۲	۰٫۰۷۸	
ادراک عدالت در آزادی عمل	۲۲	۱۴۸٫۱۹۰	۱٫۵۲۸	۰٫۰۴۸	۰٫۰۸۴	

نتایج جدول ۱۶ نشان می‌دهد میزان سرمایه اقتصادی اقوام ترک، کرد و گیلک در تعیین نوع برداشت بعد ادراک عدالت در توانمندی و ادراک عدالت در آزادی عمل معنادار است ($P \leq 0.05$). اما نوع برداشت زنان ترک، کرد و گیلک، برحسب سرمایه اقتصادی آن‌ها در بعد ادراک عدالت مناسکی و ادراک عدالت مبادله‌ای تأیید نشد ($P \geq 0.05$). ضرایب مجذور اتا نیز نشان می‌دهد ۰/۰۶ درصد از واریانس بعد عدالت مناسکی، ۱۰ درصد از واریانس بعد عدالت در توانمندی، ۰/۰۷ درصد از واریانس بعد عدالت مبادله‌ای و ۰/۰۸ درصد از واریانس عدالت در آزادی عمل با سرمایه اقتصادی اقوام متمایز می‌شود. به عبارتی، برخورداری زنان اقوام ترک، کرد و گیلک از سرمایه اقتصادی در تعریف از نوع عدالت مناسکی و عدالت مبادله‌ای یکسان است، اما تأثیرات این دو متغیر (قومیت و سرمایه اقتصادی) نشان می‌دهد زنان اقوام سه‌گانه برداشتی متفاوت از عدالت در توانمندی و عدالت در آزادی عمل زنان دارند.

تحلیل فرضیه ششم: ادراک عدالت جنسیتی برحسب سرمایه عاطفی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

همان‌طور که در فرضیه‌های پیشین بیان شد، یکی از پیش‌فرض‌های تحلیل واریانس چندمتغیره، برقراری مفروضه یکسانی ماتریس‌های کواریانس و مفروضه همسانی واریانس‌های خطای گروه‌هاست. با توجه به تأیید فرض صفر مبنی بر برابری ماتریس‌های کواریانس متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت که این مفروضه برای اجرای تحلیل واریانس چندمتغیره برقرار است ($F = 1.442$ و $P = 0.281$). آزمون لوین نیز نشان داد واریانس‌های خطا برای متغیرهای وابسته برابرند ($P \geq 0.05$). برای تعیین اینکه اثر متقابل سرمایه عاطفی زنان قومیت‌های ترک، کرد و گیلک، در تعیین تفاوت میانگین یکی از ابعاد ادراک عدالت جنسیتی از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شد.

جدول ۱۷. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجذور اتا
لامبدای ویلکز	۰/۳۰۴	۵/۵۱۱	۹۲	۱۴۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۵۸

براساس نتیجه آزمون لامبدای ویلکز که در جدول ۱۷ گزارش شده، سطح معناداری آزمون نشان می‌دهد میانگین ابعاد ادراک عدالت جنسیتی بین زنان ترک، کرد و گیلک براساس سرمایه عاطفی آن‌ها متفاوت است ($P = 0.000$ و $\lambda = 0.304$ = لامبدای ویلکز). به منظور پی‌بردن به این تفاوت که سرمایه عاطفی زنان ترک، کرد و گیلک بر کدام‌یک از ابعاد عدالت جنسیتی معنادار است، از تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۱۸ مشاهده می‌شود.

جدول ۱۸. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، گیلک و کرد براساس سرمایه عاطفی

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجزورات	ضریب F	سطح معناداری	مجذور اتا
سرمایه عاطفی قومیت	ادراک عدالت مناسکی	۴۱	۱۱۰٫۱۱۶	۶٫۱۹۳	۰٫۰۰۰	۰٫۲۸۰
	ادراک عدالت در توانمندی	۴۱	۳۶۹٫۱۲۴	۱۳٫۹۳۰	۰٫۰۰۰	۰٫۴۶۶
	ادراک عدالت مبادله‌ای	۴۱	۲۳۹٫۹۱۴	۱۵٫۲۴۵	۰٫۰۰۰	۰٫۴۸۹
	ادراک عدالت در آزادی عمل	۴۱	۱۳۲۷٫۲۲۵	۲۴٫۶۳۱	۰٫۰۰۰	۰٫۶۰۷

با عنایت به نتایج به دست آمده در جدول ۱۸، برداشت و تعریف زنان قومیت‌های ترک، کرد و گیلک برحسب برخورداری از سرمایه عاطفی متفاوت است ($P=۰٫۰۰۰$). مجذور اتا نیز مقایسه هریک از ابعاد عدالت جنسیتی را براساس میزان سرمایه عاطفی اقوام نشان می‌دهد که بر مبنای ضریب اتا می‌توان گفت: ۲۸ درصد از واریانس بعد عدالت مناسکی، ۴۶ درصد از واریانس بعد عدالت در توانمندی، ۴۸ درصد از واریانس بعد عدالت مبادله‌ای و ۶۰ درصد از واریانس عدالت در آزادی عمل با سرمایه عاطفی اقوام تبیین می‌شود. به عبارتی، سرمایه عاطفی زنان فهم بین‌الذهانی از عدالت جنسیتی را در بستر قومیت فراهم می‌کند. با توجه به میانگین مجزورات جدول و مجذور اتا می‌توان گفت با برخورداری زنان از سرمایه عاطفی، تعریفشان از آزادی عمل تعریفی مدرن و برآمده از لیاقت و شایستگی‌شان است.

تحلیل فرضیه هفتم: ادراک عدالت جنسیتی براساس تصورات قالبی بین اقوام ترک، گیلک و کرد متفاوت است.

با توجه به ابعاد عدالت جنسیتی به عنوان متغیرهای وابسته و سنجش تصورات قالبی در دو وجه مثبت و منفی بین زنان ترک، کرد و گیلک، مناسب‌ترین آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره است. مفروضه یکسانی ماتریس کواریانس متغیرها با آزمون ام‌باکس مورد آزمون قرار گرفت که نشان می‌دهد فرض صفر آزمون ام‌باکس مبنی بر برابری ماتریس‌های کواریانس متغیرها در سطح (۰٫۰۵) تأیید می‌شود. همچنین جهت آزمون برابری واریانس‌های خطای چهار بعد عدالت جنسیتی (متغیرهای وابسته) از آزمون لوین استفاده شد که نتیجه این آزمون نشان داد واریانس‌های خطاهای همه متغیرها باهم برابرند ($P \geq ۰٫۰۵$). بنابراین، اجرای تحلیل واریانس چندمتغیره مقدور است. برای تعیین اثر متقابل تصورات قالبی زنان و قومیت آن‌ها در تعیین اختلاف میانگین ابعاد ادراک عدالت جنسیتی از آزمون لامبدای ویلکز استفاده شد.

جدول ۱۹. نتایج آزمون لامبدای ویلکز بر اثر اصلی متغیر ادراک عدالت جنسیتی

آزمون	ارزش	F	DF فرضیه	DF خطا	سطح معناداری	مجدور اتا
لامبدای ویلکز	۰/۶۲۲	۱/۲۶۷	۱۴۸	۱۴۸۰/۶۲۸	۰/۰۲۱	۰/۱۱۳

براساس نتیجه آزمون اثر لامبدای ویلکز که در جدول ۱۹ آمده، سطح معناداری این آزمون نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمره ابعاد عدالت جنسیتی براساس نوع تصورات قالبی بین زنان با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود ($P=0/021$ و $P=0/622$ = لامبدای ویلکز). برای پاسخ به این سؤال که نسبت تفاوت نمره‌های میانگین هریک از ابعاد عدالت جنسیتی براساس تصورات قالبی افراد چه میزان است، از تحلیل واریانس استفاده شد که نتیجه این آزمون در جدول ۲۰ قابل مشاهده است:

جدول ۲۰. نتایج تحلیل واریانس برای مقایسه میانگین نمره‌های ابعاد عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، گیلک و کرد براساس تصورات قالبی

متغیرهای مستقل	متغیرهای وابسته	درجه آزادی	میانگین مجدورات	ضریب F	سطح معناداری	مجدور اتا
ادراک عدالت مناسبی	۳۷	۱۷,۱۲۴	۱,۰۴۳	۰/۴۰۵	۰/۰۹۴	
تصورات قالبی	ادراک عدالت در توانمندی	۳۷	۴۱,۵۱۰	۱,۵۸۹	۰/۰۱۸	۰/۱۳۶
قومیت	ادراک عدالت مبادله‌ای	۳۷	۱۹,۹۴۲	۱,۲۰۶	۰/۱۹۷	۰/۱۰۷
ادراک عدالت در آزادی عمل	۳۷	۱۱۶,۸۸۹	۱,۷۴۳	۰/۰۰۶	۰/۱۴۷	

نتایج تحلیل واریانس در جدول ۲۰ نشان می‌دهد تعریف و برداشت از دو بعد عدالت جنسیتی (ادراک عدالت در توانمندی و ادراک عدالت در آزادی عمل)، متأثر از تصورات قالبی زنان اقوام ترک، کرد و گیلک است ($P \leq 0/05$). اما با ملاحظه سطح معناداری جدول، نوع تصورات قالبی زنان قومیت‌های سه‌گانه در تعیین اختلاف میانگین برداشت از بعد ادراک عدالت مناسبی و بعد ادراک عدالت مبادله‌ای تأیید نمی‌شود ($P \geq 0/05$). همچنین، براساس نتیجه ضریب اتا، ۰/۰۹ درصد از واریانس بعد عدالت مناسبی، ۱۳ درصد از واریانس بعد عدالت در توانمندی، ۱۰ درصد از واریانس بعد عدالت مبادله‌ای و ۱۴ درصد از واریانس عدالت در آزادی عمل، با متغیر تصورات قالبی اقوام تبیین می‌شود. بنابر یافته‌های پژوهش برداشت و عمل بر پایه تصورات قالبی منفی را در تفسیر زنان از توانمندی و آزادی عدالت‌طلبانه بین مردان را تأیید می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

در طول تاریخ، مسیر رفتارها و تعاملات درون خانواده و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه تحت تأثیر برداشت کنشگران اجتماعی از هویت جنسی و نقش‌های جنسیتی بوده است. تشکیل جنبش‌ها و برگزاری کنوانسیون‌های متعدد حمایت از حقوق زنان و نام‌گذاری سال جهانی به نام «زن» از سوی سازمان ملل، همگی گویای وجود تبعیض، خشونت و سلطه علیه زنان در جهان است. در ایران نیز، آمارهای رسمی و پیمایش‌های ملی نشان می‌دهد سطح اشتغال زنان در بیرون از خانه، سطح تحصیلات، تفویض مسئولیت‌های مدیریتی، برخورداری از امکانات شهری و تصورات قالبی از زنان قابل تأمل بوده است. با توجه به نقش باورها، ارزش‌ها و افق‌های تاریخی در تعریف جنسیت و نقش‌های جنسیتی، این پژوهش با هدف مقایسه ادراک عدالت جنسیتی بین زنان اقوام ترک، کرد و گیلک و بررسی میزان تأثیر عوامل جامعه‌شناختی در برداشت از عدالت جنسیتی با استفاده از روش پیمایش انجام شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد ۵۲ درصد از پاسخگویان ادراکشان از عدالت جنسیتی به گونه‌ای است که در توزیع منابع کمیاب، تقسیم کار، تفویض مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، اصل شایستگی و درایت زنان را مبنای عمل قرار می‌دهند که در این پژوهش از آن به «ادراک عدالت جنسیتی مدرن» تعبیر شد. بنابراین برداشت بیشتر پاسخگویان از عدالت جنسیتی با نظریه عدالت توزیعی فردگرایان و فمنیست‌هایی چون سیمون دوبوار و چودورو مطابقت داشت. اما ۴۸ درصد پاسخگویان ویژگی‌های طبیعی و روانی زنان را مبنای توزیع امکانات دانسته‌اند و به عبارتی این دسته با نظریه پردازان عدالت رویه‌ای، مارکس و پارسونز موافق بودند که در این پژوهش از آن به «ادراک عدالت جنسیتی سنتی» تعبیر شد.

نوع برداشت از عدالت جنسیتی بین اقوام ترک، کرد و گیلک به جهت تأثیر سنت‌ها و ارزش‌های قومیتی در فرایند جامعه‌پذیری متفاوت است. این مطالعه نشان داد کردها نسبت به ترک‌ها و گیلک‌ها تعریفی سنتی‌تر از عدالت جنسیتی دارند و همچنان هژمونی مردسالاری و نقش‌های سنتی زنان در شهرها و روستاهای کردنشین رعایت می‌شود. در مقابل، برداشت گیلک‌ها از عدالت جنسیتی واژگون‌شده و در رفتارها و تعاملاتشان زنانگی و مردانگی را کمتر لحاظ می‌کنند. برداشت پاسخگویان ترک نیز از عدالت جنسیتی بینابین سنتی و مدرن است به عبارتی در شهرستان پارس‌آباد، برداشت زنان از عدالت جنسیتی سنتی و در برخی دیگر - اردبیل و خلخال - تعریفی مدرن از عدالت جنسیتی دارند. بر این اساس، می‌توان گفت تأیید نقش سنت‌ها و فرهنگ‌های قومی در تمییز نوع ادراک عدالت جنسیتی نشان می‌دهد عدالت جنسیتی دستاوردی اجتماعی است و عوامل جامعه‌شناختی در پدیدایی آن نقش به‌سزایی داشته و این یافته با نظریه برساخت‌بودن جنسیت و عدالت جنسیتی فمنیست‌ها و پست‌مدرن‌ها قرابت داشته است. با تطبیق نتایج این پژوهش با مطالعات قبلی مشخص شد

یافته‌های این پژوهش با نتیجه تحقیق گورو و هاولیک (۲۰۱۳)، گئوس (۲۰۱۲)، زارع شاه‌آبادی و امینی (۱۳۸۹) هم‌سوئی دارد.

سؤال اساسی دیگری که در این پژوهش مطرح شد این بود که تفاوت برداشت‌ها از عدالت جنسیتی براساس عوامل جامعه‌شناختی چقدر است؟ یافته‌های پژوهش نشان داد برخورداری از انواع سرمایه اجتماعی بوردیویی (سرمایه فرهنگی، اجتماعی، نمادین و اقتصادی) سبب می‌شود فرد فهم بین‌الذهانی از پدیده‌ها داشته و از طرفی با داشتن تعهد و اعتماد به دیگران، در روابط متقابل اجتماعی‌شان برداشت‌های تبعیض‌آمیز و قهری را حذف کرده و نگرش به رفتارهای عادلانه داشته باشد. به عبارتی، فرد بدون لحاظ کردن جنسیت افراد با برخورداری از انواع سرمایه‌های اجتماعی، به حق مالکیت دیگران، حق داشتن آزادی عمل در تصمیم‌گیری‌ها و حق برخورداری از فرصت مهارت‌افزایی احترام قائل شود. یافته‌های این پژوهش با نظریه سرمایه اجتماعی بوردیو (۱۹۹۴) و نتیجه پژوهش میرزایی (۱۳۹۲)، امین جعفری و رهنما فلاورجانی (۱۳۹۱) و زارع شاه‌آبادی و امینی (۱۳۸۹) مطابقت دارد.

یکی دیگر از متغیرهایی که مکمل سرمایه اجتماعی بوردیو بوده و در تعیین تفاوت ادراک عدالت جنسیتی نقش معناداری داشت «سرمایه عاطفی» بود. سرمایه عاطفی به فرد این امکان را می‌دهد که بدون در نظر گرفتن قدرت‌طلبی و انحصارگرایی، آنچه را که برای خودش می‌پسندد برای دیگران نیز بپسندد. همچنین دیگران نیز در این تعامل به دلیل برخورداری فرد از سرمایه عاطفی، بدون هیچ مقاومتی، انتظارات وی را جامعه عمل می‌پوشانند. سرمایه عاطفی که با معرف‌های همدلی، جذابیت و ممنوع‌خواهی تعریف می‌شود نشان داد فرد با برخورداری از این نوع سرمایه، ضمن به‌دست آوردن دیگر سرمایه‌های اجتماعی، تعریفی مدرن و عدالت‌طلبانه از عدالت جنسیتی دارد. با مطابقت یافته‌های این پژوهش با نظریه ترنر (۲۰۰۳) و بوردیو (۱۹۹۲)، مبنی بر تأثیر عشق، وفاداری و فداکاری در تعیین نوع تفسیر فرد از پدیده‌های اجتماعی هم‌سوئی دارد.

براساس یافته‌های پژوهش، ادراک عدالت جنسیتی مجموعه تصورات و عملکردهایی است که در زمینه اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. تصورات قالبی نیز همچون ادراک عدالت جنسیتی و جنسیت در بستر جامعه و فرهنگ شکل می‌گیرد. تصورات قالبی عادت‌واره‌ها و باورهای رایجی هستند که در فرایند جامعه‌پذیری نهادینه می‌شود و افراد با کمک آن‌ها به داوری از زنانگی و مردانگی می‌پردازد. نتیجه این پژوهش نشان داد با ارجاع تفاوت زنانگی و مردانگی به ویژگی‌های زیستی و تعریف زن به‌عنوان موجودی ضعیف‌الخلقه، بهانه‌گیر و خرافاتی سبب می‌شود انقیاد و فرودستی زنان شکل خشونت نمادین به خود گیرد و خود زنان نیز ستم‌دیدگی و مطیع بودن را ارزشی در خور شأنشان بدانند. نتیجه این پژوهش با تئوری «دوکسا» مبنی بر تحلیل پدیده‌های اجتماعی مبتنی بر عادت‌واره‌های غیرعلمی و منطقی بوردیو (۱۹۹۲) مطابقت دارد.

براساس یافته‌های پژوهش ارجاع عدالت جنسیتی به تفاوت‌های بیولوژیکی زنان و مردان و نادیده گرفتن نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی در برداشت از عدالت جنسیتی، اولین و مهم‌ترین گام برای ستم‌دیدگی و سلطه علیه زنان است، لذا پیشنهاد می‌شود نهادهای متولی فرهنگ با اتخاذ تمهیدات لازم برداشت برساخت‌گرایانه از عدالت جنسیتی را در جامعه گفتمان‌سازی کنند. همچنین، تصورات قالبی فارغ از هرگونه استدلال و منطقی عامل بازتولید تبعیض جنسیتی است که اغلب از طریق نهادهای بهنجارساز (خانه، مدرسه و رسانه) تولید می‌شود، لذا پیشنهاد می‌شود در محتوای کتاب‌های درسی، پیام‌های رسانه‌های جمعی و تعاملات غیررسمی گروه‌های نخستین از به‌کاربردن تصورات قالبی پرهیز شود. براساس یافته‌های پژوهش، اگر افراد جامعه دسترسی برابر به سرمایه اقتصادی داشته باشند، امکان دسترسی به سایر سرمایه‌ها (فرهنگی، عاطفی، اجتماعی و نمادین) را نیز خواهند داشت، لذا پیشنهاد می‌شود برای بهره‌مندی زنان از عدالت مبادله‌ای، تمهیدات لازم جهت اشتغال، حق مالکیت بر دسترنج خود و استقلال مالی آن‌ها فراهم شود. علاوه بر این، جهت سیاست‌گذاری جامع و اثربخش برای رسیدن به عدالت جنسیتی، ضرورت دارد تحقیقات پراکنده‌ای که در این حوزه انجام شده جمع‌بندی و تحلیل منسجمی صورت گیرد.

منابع

- [۱] آرنه، هانا (۱۳۹۱). *حیات‌ذهن، تفکر، ترجمه مسعودعلیا، تهران: ققنوس.*
- [۲] استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران جامعه‌شناسی، ترجمه مهرداد میردامادی، تهران: مرکز.*
- [۳] آشوری، داریوش (۱۳۵۷). *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.*
- [۴] امین‌جعفری، بتول؛ رهنما فلاورجانی، زهره (۱۳۹۱). «تأثیر سرمایه اجتماعی در احساس نابرابری جنسیتی زنان تحصیل‌کرده شهر اصفهان»، *مطالعات جامعه‌شناختی ایران، دوره دوم، ش ۶، ص ۷۳-۵۵.*
- [۵] بلوم، ویلیام تی (۱۳۷۳). *نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین، تهران: آران.*
- [۶] بهشتی، سید صمد؛ حکمرادی، محمد (۱۳۹۶). «بررسی رابطه بهزیستی روانی و رضایت‌مندی ناشویی بین زنان متأهل دو شهر نجف‌آباد و فولادشهر»، *جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۲۸، ش پیاپی (۷۶)، ص ۴۰-۲۵.*
- [۷] ترنر، جانانان اچ (۱۳۹۳). *نظریه‌های نوین جامعه‌شناختی، ترجمه اصغر مقدس، تهران: جامعه‌شناسان.*
- [۸] تنهایی، ابوالحسن (۱۳۹۰). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: مرنديز.*
- [۹] جلاتی‌پور، حمیدرضا؛ محمدی، جمال (۱۳۸۸). *نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی، تهران: نی.*
- [۱۰] دهنوی، جلیل؛ معیدفر، سعید (۱۳۸۴). «بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرک اجتماعی در دختران دانشجو»، *مطالعات زنان، ش ۳، ش ۷، ص ۷۵-۵۱.*

- [۱۱] رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۶۴). جامعه‌روستایی و نیازهای آن: پژوهشی در ۳۲ روستای برگزیده استان یزد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۱۲] ریتزر، جورج (۱۳۹۲). *میانی نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن*، ترجمه شهناز ممسی‌پرست، چ ۲، تهران: ثالث.
- [۱۳] زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ امینی، کژال (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر قومیت بر خشونت علیه زنان در شهر تکاب»، *مجله پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ش ۹، ص ۷۸-۵۳.
- [۱۴] سیدمن، استیون (۱۳۹۳). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۱۵] شرت، ایون (۱۳۹۳). *فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۱۶] شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۶). «بررسی نابرابری جنسیتی و عوامل مرتبط با آن بین زنان شهر بوکان و میاندوآب»، *پژوهش‌نامه زنان*، س ۸، ش ۳، ص ۴۷-۶۷.
- [۱۷] صحرايي، شقایق (۱۳۸۵). «بررسی تأثیر دولت الکترونیک در تحقق عدالت اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۸] عابدینی، صمد؛ رسول‌زاده اقدم، صمد؛ صبوری کزج، پرویز (۱۳۹۸). «گونه‌شناسی ادراک عدالت جنسیتی با تأکید بر عامل قومیت»، *فصل‌نامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۱۱، ش ۳، ص ۴۳۳-۴۵۷.
- [۱۹] فولادوند، عزت‌الله (۱۳۷۶). *خرد در سیاست*، تهران: طرح نو.
- [۲۰] گرت، استفانی (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: دیگر.
- [۲۱] گرنفل، مایکل (۱۳۹۳). *مفاهیم کلیدی پیر بوردیو*، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- [۲۲] لیورتارد، ژان فرانسوا (۱۳۹۵). *پدیده‌شناسی*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی.
- [۲۳] میرزایی، حسین؛ آقایی هیر، توکل؛ کاتبی، مهناز (۱۳۹۲). «بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده‌های شهر تبریز»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، ص ۹۱-۶۹.
- [۲۴] میرسندهی، سید محمد (۱۳۹۰). «درک مردم از عدالت در مشهد»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره ۳، ش ۴، ص ۱۳۲-۱۵۱.
- [۲۵] ویلفورد، ریک (۱۳۷۵). *فمنیسم*، ترجمه محمد قاندر، تهران: مرکز.
- [26] Bourdieu, P. (1992). *An Invitation to reflexive sociology*, University of Chicago press and polity press.
- [27] Gheaus, A. (2012). 'Gender Justice', *Journal of ethics & Social Philosophy*, 2(6), 2-25.
- [28] Ingelehart, R. & Norris, P. (2003). *Gender Equality and Cultural Change around the World*, Cambridge University Press
- [29] Klingorova, K, Havlicek, T. (2015). 'Religion and gender inequality: The status of women in the societies of world religions', *Moravian Geographical Reports*, 23(2).
- [30] Okin, S. (2004). *Gender, Justice and Gender: An Unfinished Debate*. New York: Basic books.

- [31] Rosin, M. (1978). *Ideology as False Consciousness: Lukacs, In On Ideology*. Center for Contemporary Cultural Studies. London: Hutchinson of London.
- [۳۲] درگاه ملی آمار ایران به نشانی: www.amar.org.ir

